**تفکر خلاق**

پدید آورنده : سمانه اکبری ، صفحه 34

|  |
| --- |
| در آغاز، اجازه دهید اشتباه رایجی را که درباره مفهوم تفکر خلاق وجود دارد، رفع کنیم. تا کنون به ناروا، علم، فناوری، هنر و ادبیات، به عنوان تنها مجاری معتبر خلاقیت، شهرت پیدا کرده اند. برای بیشتر مردم، تفکر خلاق، تداعی گر اموری مانند کشف الکتریسیته یا واکسن فلج اطفال یا نوشتن یک رمان یا اختراع تلویزیون رنگی است.بی شک، همه این دستاوردها، شاهدی بر وجود تفکر خلاق است. هر گامی که برای تسخیر فضا برداشته شده است، نتیجه تفکر خلاق و پویایی آن است؛ ولی تفکر خلاق، به قلمرو خاصی اختصاص ندارد و منحصر به افراد فوق العاده باهوش نیست. **تفکر خلاق چیست؟**افراد یک خانواده کم درآمد، نقشه ای می ریزند تا بتوانند پسر خود را به دانشگاه معتبری بفرستند. برنامه ریزی آنها، ثمره یک تفکر خلاق است. خانواده ای، بدمنظره ترین زمین مخروبه خیابانشان را تبدیل به زیباترین فضای سبز آن ناحیه می کنند. اقدام آنها، نمایان گر اندیشه خلاق است.پیدا کردن راه هایی برای ساده تر کردن روش های دفتر اداری، فروش جنس به مشتری هایی که اصلاً در فکر خرید نیستند، واداشتن بچه ها را به مشغولیت های سازنده، ایجاد شرایطی برای افزایش علاقه کارمندان به کار و جلوگیری از وقوع یک جنجال «حتمی»، همه و همه نمونه هایی از فکر خلاق روزمره و علمی است. تفکر خلاق، یعنی یافتن راه های جدید و مؤثر، برای انجام دادن کارها. موفقیت های گوناگون - اعم از موفقیت در خانه، محل کار و اجتماع - به یافتن راه هایی برای انجام هر چه بهتر کارها بستگی دارد. اما برای به وجود آوردن تفکر خلاق و حفظ آن، چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ **ایمان داشته باشید که می توانید**یک حقیقت اساسی این است که برای انجام هر کار، باید اول ایمان پیدا کنیم که این کار، می تواند انجام شود. اعتقاد داشتن به این که کاری می تواند انجام پذیرد، ذهن را برای یافتن راه انجام آن به حرکت وا می دارد. وقتی به کاری ایمان داشته باشید، فکرتان راه های انجام آن را پیدا می کند.این آزمایش، تنها یک نتیجه دارد و آن این که وقتی ایمان بیاورید که چیزی ناممکن است، فکرتان در پی دلایلی می گردد که این مطلب را اثبات کند؛ ولی وقتی ایمان حقیقی داشته باشید که کاری شدنی است، فکرتان راه های انجام آن را می یابد.ایمان داشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت، جاده را برای راه حل های خلاق، هموار می سازد؛ در حالی که ایمان داشتن به عدم تحقق آنها، تفکری ویران گر است. این نکته را می توان به تمام موقعیت ها - چه بزرگ و چه کوچک - تعمیم داد. آن دسته از اقتصاددانانی که اعتقاد دارند رکودهای اقتصادی اجتناب ناپذیر است، نمی توانند راه های خلاقی برای شکستن این دور باطل در اقتصاد، پیدا کنند.اگر اعتقاد به توانایی خود داشته باشید، می توانید راه هایی برای دوست داشتن یک فرد پیدا کنید.اگر اعتقاد به توانایی خود داشته باشید، می توانید راه حل هایی برای مشکلات شخصی تان پیدا کنید. اگر اعتقاد به توانایی خود داشته باشید، می توانید راهی برای خریدن خانه ای بهتر که آرزوی خریدنش را دارید پیدا کنید. ایمان، نیروهای خلاق را آزاد می کند و فقدان ایمان، آن نیروها را به بند می کشد. برای نیل به تفکر خلاق، ایمان داشتن را یاد بگیرید. **اگر اراده کنید، ذهنتان راهی پیش پایتان می گذارد**ایمان داشته باشید به این که از عهده کارها بر خواهید آمد. این جمله، اساس تفکر خلاق است. دو راه حل زیر، به شما کمک می کند تا به یاری ایمان، از قدرت خلاق برخوردار شوید:الف) کلمه ناممکن را از فرهنگ لغات خود خارج کنید. ناممکن، واژه ویرانگری است. فکر «این کار نشدنی است»، زنجیروار، افکار منفی دیگری را در تأیید خود تولید می کند.ب) به چیزی بیندیشید که زمانی دوست داشتید آن را انجام بدهید؛ اما به دلیل این که آن را ناشدنی می پنداشتید، از انجام آن خودداری کرده بودید و حالا برای انجام آن تلاش کنید. بسیاری از ما، تنها به این دلیل که فکرمان را روی دلایل عدم توانایی خود متمرکز می کنیم، آرزوهای خود را به بند کشیده، سرکوب کرده ایم؛ حال آن که تنها چیزی که شایسته است تا ذهن خود را به آن معطوف کنیم، دلایل توانایی است.**تفکر خود را عوض کنید**تفکر سنتی، دشمن اصلی و درجه یک انسانی است که دوست دارد یک برنامه پیشرفت فردی خلاق داشته باشد. تفکر سنتی، ذهن شما را منجمد می کند؛ جلوی پیشرفت شما را می گیرد و اجازه نمی دهد از خلاقیت بهره ای ببرید. در این جا سه راه برای مقابله با این نگرش می بینید:الف) به نظرات افراد توجه کنید؛ فکرهای جدید را پذیرا شوید و با افکاری چون «نتیجه نمی دهد»، «نمی شود»، «بی فایده است» و «احمقانه است»، مبارزه کنید.ب) پیوسته در حال جست وجو باشید. سنت شکن باشید. رستوران های جدید را امتحان کنید. کتاب های تازه را بخوانید و با دوستان جدید، آشنا شوید. برای رفتن سر کار، راه های تازه را انتخاب کنید. برای تعطیلات سالانه، به مناطق جدید بروید و در تعطیلات آخر هفته، کارهای تازه و متفاوتی انجام دهید. این کار، خستگی شما را رفع می کند و شما را برای مسئولیت های بزرگ تری آماده می سازد.ج) پیشرو باشید، نه دنباله رو. نگویید «در جایی که کار می کردم، از این روش، برای انجام کارهایمان استفاده می کردیم؛ بنابراین، این جا هم باید طبق همان شیوه عمل کنیم»؛ بلکه چنین بگویید: «چطور می شود این کار را بهتر از آن چه در گذشته انجام می دادیم، انجام دهیم»؟ تفکر دنباله رو و ارتجاعی، نتایجی منفی دارد؛ در حالی که تفکر پیشرو و راهگشا، نتایجی مثبت و ثمربخش دارد. تصور کنید که اگر مدیریت کمپانی فورد موتور، به خودش اجازه می داد که این چنین فکر کند: «امسال پیشرفته ترین اتومبیل ها را ساخته ایم و دیگر بهتر از این نمی شود و بنابراین، تمام فعالیت های مربوط به طراحی و مهندسی تجربی را برای همیشه خاتمه می دهیم»، چه اتفاقی برای این کمپانی می افتاد؛ حتی چنین کمپانی غول آسایی هم با این نگرش، به سرعت، تحلیل می رود.حیات مردم موفق هم مانند شغل های موفق، به این سؤال بستگی دارد که «چطور می توانم کیفیت کارم را بالا ببرم و چطور می توانم بهتر عمل کنم»؟ در تمام فعالیت های انسانی، از ساختن موشک گرفته تا تربیت فرزند، کمال مطلق، حدی دست نیافتنی است و معنایش این است که برای پرواز فکر انسان، فضایی نامتناهی در پیش روست. مردم موفق، این راز را می دانند و به همین دلیل، همیشه در جست وجوی راه های بهتری هستند. انسان موفق، نمی پرسد که «آیا می توانم این کار را بهتر انجام بدهم»؟ زیرا او می داند که می تواند؛ پس از خود، چنین می پرسد: «چطور می توانم این کار را بهتر انجام بدهم»؟ موفقیت های بزرگ، درِ خانه مردمی را می زند که معیارهای عالی تری برای خودشان و دیگران در نظر می گیرند؛ مردمی که در جست وجوی راه هایی برای افزایش کارایی، به دست آوردن حداکثر نتیجه از حداقل هزینه و انجام کار بیشتر با زحمت کمتر هستند. پیشرفت های عالی، نصیب افرادی خواهد شد که چنین می گویند: «می توانم بهتر از این عمل کنم». فلسفه «می توانم - بهتر - عمل - کنم» معجزه می کند. وقتی از خود می پرسید که «چطور می توانم بهتر عمل کنم»، دکمه قدرت خلاق، زده می شود و شیوه های بهتر برای انجام کارها، خودشان را معرفی می کنند.**توانایی، یک برداشت ذهنی است** میزان کاری که می توانیم انجام بدهیم، به میزان تصوری که از توانایی انجام آن کار داریم، بستگی دارد. وقتی به راستی ایمان داشته باشیم که می توانیم کار بیشتری انجام دهیم، ذهنمان خلاقانه در پی راه هایی می گردد که کلید کار را به دستمان بدهد. توانایی، به راستی، یک برداشت ذهنی است. به نظر می رسد که هر روز، چنین اتفاقاتی در دنیای پرتحول کسب و کار، روی می دهند. رئیسی کارمندش را احضار می کند و می گوید که کار خاصی باید انجام شود و بعد می گوید: «می دانم که خودت یک دنیا کار داری؛ ولی آیا می توانی این کار را هم قبول کنی»؟ در بیشتر موارد، کارمند، چنین جواب می دهد: «خیلی شرمنده ام؛ کارهای خودم مانده؛ خیلی دلم می خواست قبول کنم؛ ولی واقعیت این است که سخت گرفتارم». در چنین شرایطی، رئیس از این موضوع به زیان کارمندش استفاده نمی کند؛ زیرا این کار را به اصطلاح، یک «وظیفه اضافی» می داند. با این حال، رئیس، پیوسته در فکر آن است که کار باید انجام شود و آن قدر می گردد تا کارمندی را پیدا کند که گرچه مثل بقیه گرفتار است، ولی احساس کند که می تواند کار بیشتری را قبول کند و این کارمند، همان کسی است که خودش را با نیروی ایمان به کار، بالا می کشد. معجون موفقیت در زمینه کسب و تجارت، خانه و اجتماع، این است: «بهتر از گذشته کار کن (کیفیت بازدهی ات را بهتر کن) و بیشتر از گذشته کار کن (میزان بازدهی ات را بیشتر کن)». اگر متقاعد شده اید که انجام بیشتر و بهتر کارها مقرون به صرفه است، این دستورالعمل دو مرحله ای را انجام بدهید: الف) مشتاقانه پیشنهادهایی را برای انجام کار بیشتر بپذیرد. کسی که مسئولیت کاری را به شما محول می کند، در حقیقت، روی شما حساب کرده است. پذیرفتن مسئولیت های بزرگ تر در کار، شما را برجسته تر می کند و نشان می دهد که ارزش بیشتری دارید. مثلاً وقتی همسایگانتان از شما می خواهند تا در یک مسئله اجتماعی، داور آنها شوید، بپذیرید. این اقدام، به شما کمک می کند تا اعتبار اجتماعی بیشتری به دست آورید. ب) سپس روی این مسئله تمرکز کنید که «چطور می توانم بیشتر کار کنم»؟ در این حال، جواب های خلاق از راه می رسند. بعضی از این جواب ها ممکن است شامل برنامه ریزی، انضباط بیشتر و یا مختصر و مفید بودن فعالیت های روزمره، یا حذف امور غیرضروری باشد؛ ولی راه حل «بیشتر کار کردن»، خودش پیدا می شود. **منبع:** کتاب جادوی فکر بزرگ، د. شوارتز، ترجمه ژنا بخت آور، انتشارات فیروزه، 1374. |